

خطبه حضرت زینب (س) در مسجد شام

شیخ صدوق روایت می کند: چون امام سجاد علیه السلام و اهل بیت بر یزید وارد شدند و سر امام حسین (ع) را آورده ، جلو یزید در تشتی گذاشتند، یزید با چوبی که در دست داشت ، شروع کرد به زدن بر دندانهای آن حضرت و می گفت: "بنی هاشم با حکومت بازی کردند، نه خبری آمده و نه وحیی نازل شده است . کاش اجدادم که در بدر شاهد بودند که قوم خزرج از فرود آمدن تیغهای تیز می نالیدند، از خوشحالی چهره افروخته می شدند و می گفتند: ای یزید! دستانت شل مباد! کبیر پدر را دادیم و بدری دیگر آفریدیم و حساب ، برابر شد. از خندف نیستیم اگر از فرزندان احمد، انتقام کارهایشان را نگیریم!" چون زینب آن صحنه را دید، گریبان چاک زد و با صدایی سوزناک صدا زد: "یا حسین! ای حبیب پیامبر! ای فرزند مکه و منا! ای زاده فاطمه زهرا! ای پسر محمد مصطفی! همه را گریاند." یزید ساکت بود. سپس به پای ایستاد و نگاهی به مجلس افکند و شروع به خطابه کرد و در آغاز، کمالات پیامبر را اظهار کرد و اعلام نمود که: ما به رضای الهی صابریم ، نه از روی بیم و وحشت . و چنین خطبه خواند: حمد برای پروردگار جهانیان . درود بر جدم سرور انبیا. راست فرمود خدای سبحان که: سرانجام آنان که بد کردند، آن شد که آیات الهی را تکذیب کردند و به مسخره گرفتند. ای یزید! آیا همین که زمین و آسمان را بر ما تنگ گرفتی و ما را همچون اسیران به زنجیر کشیدی و بر ما مسلط گشتی ، پنداشتی که این مایه خواری ما در پیشگاه خدا و کرامت و منت خداوند بر توست و تو را نزد خدا احترام و منزلتی است ؟ از این رو باد به دماغ افکندی و مغرورانه به ما نگاه انداختی و شادمانه و غافلانه بر مسند نشستی ، چون دیدی که دنیا به کام تو و کارها برایت سامان یافته است و حکومتی را که از آن ماست برای تو فراهم گشت ! آرامتر! این قدر جاهلانه متاز! آیا سخن خدا را فراموش کردی که فرمود: کافران میندارند که چون مهلتشان دادیم ، برای آنان نیک است ، بلکه تا بر گناهشان بیفزایند، و برای آنان عذابی خوار کننده است . ای فرزند آزادشدگان ! آیا از عدالت است که زنان و کنیزان خود را پشت پرده ها جا داده ای و دختران پیامبر را به اسیری گرفته می گردانی ، پرده های حرمتشان را دریده و چهره هاشان را آشکار ساخته ای و دشمنان ، آنان را شهر به شهر می گردانند و مردم بیابانی و کوهستانی به آنان می نگرند و دور و نزدیک و غایب و حاضر و شریف و پست به چهره آنان چشم می دوزند؛ نه از مردانشان سرپرستی دارند و نه از حامیانشان کسی هست . این همه از روی طغیان تو بر خدا و انکارت نسبت به پیامبر و دین خداست ، و از تو شگفت نیست . چگونه می توان به مراقبت و دلسوزی کسی امید داشت که دهانش ، جگر شهیدان را دندان زده و دور افکند و گوشتش از خون سعادت‌مندان ربویده و پیوسته در ستیز با سرور رسولان ، لشکر آراسته و به جنگ برخاسته و به روی رسول خدا صلی الله علیه و آله شمشیر کشیده است ؛ کسانی که در انکار حق و پیامبر سر سخت تر و در دشمنی آشکارتر و نسبت به پروردگار، سر کشتند! اینها نتیجه کفر و کینه ای است که از کشتگان بدر در دل داشته اند. پس در دشمنی با ما خاندان درنگ نمی کند کسی که نگاهش به ما دشمنانه و کین توزانه است و کفر خود را به پیامبر آشکار می سازد و بر زبان می آورد و از روی خوشحالی نسبت به کشتن فرزندان پیامبر و اسیر کردن فرزندان او، گستاخانه و بی شرم ، پدران خود را صدا می زند که شادی کنند و به او دست مریزاد گویند! بر دندانهای ابا عبدالله که بوسه گاه پیامبر بود، چوب می زند و شادی در چهره اش آشکار است . به جانم سوگند ای یزید! با ریختن خون سرور جوانان بهشت ، بر زخم دیرین نیشتر زدی و ریشه ما را بر آوردی و پدران را صدا زده با ریختن خون وی به نیاکان شرکت تقرب جستی و پدران را صدا زدی به گمان آنکه صدایت را می شنوند و بزودی آرزو خواهی کرد که کاش دستانت شل و قطع می شد و مادرت تو را نمی زاید، وقتی که بینی به سوی خشم الهی می روی و دشمنت رسول خدا صلی الله علیه و آله است . خدا! یا حق ما را بستان و انتقام ما را از ظالمان بر ما بگیر و خشم خود را بر آنان ببار که خون ما را ریختند و آبروی ما را ریختند و حامیان را ما کشتند و حرمت ما را شکستند. ای یزید! کار خود را کردی ، ولی جز پوست خود را ندریدی و جز گوشت خود را نبریدی . بزودی با همین گناه که از کشتن فرزندان پیامبر بر دوش داری و حرمتشان را شکسته و خون عترت را ریخته ای به حضور پیامبر خدا وارد خواهی شد؛ آنگاه که خداوند همه را جمع می کند و پراکندگی هاشان را سامان می بخشد و از ظلم کنندگان به ایشان انتقام می گیرد در حقیقت را از

خطبه حضرت زینب

سلام اله در شام



دشمنانسان می ستانند. پس با کشتن آنان شادمان مباش (و مپندار آنان که در راه خدا کشته شدند و مرده اند، بلکه نزد پروردگارش زنده اند و روز می خورند و به پاداشی که خداوند از فضل خود به آنان داده است شادمانند خدا برای تو بس است که ولی و حاکم باشد و پیامبر خدا دشمنت باشد و جبرئیل ، پشتیبان . زود است که تو را بر کرده مسلمانان مسلط ساخت ، بداند که پاداش بدی ابری ظالمان است و کدام یک از شما جایگاهش بدتر و گمراهتر است . اینکه از قدر تو می کاهم و سرزشت را بزرگ می شمارم نه از آن روست که خطاب درباره تو سودمند است ، پس از آنکه چشمهای مسلمانان را گریان و دلپایشان را داغدار ساختی . آن دلها که دارید سخت شده و جانها طغیان کرده و بدنها آکنده از خشم خدا و لعنت پیامبر است و شیطان در آنها لانه کرده و جوجه پرورده است . شگفت آنکه پایان و پیامبرزادگان و نسل اوصیا به دست آزاد شدگان پلیسد و دودمان تبهکار فاسد کشته می شوند؛ به دست آنان که خون ما از پنجه هایشان می چکد و دندان در گوشتهای ما فرو برده اند. آن شهیدان پاک جسدهایشان طعمه گرگهای درنده گشته و در زیر چنگال کفتارها به خاک آلوده شده است . اگر امروز ما را غنیمتی برای خویش می شماری ، خواهی دید که مایه زیان و خسران توایم ؛ آن روز که جز عملهای خویش چیزی نخواهی یافت و خداوند نیز به بندگان هیچ ستمی نمی کند.

شکایت نزد خدا می برم و تکیه ام بر اوست و امید و آرزویم خدا ست . پس هر چه نیرنگ داری به کار بند و هر چه می توانی بکوش . سوگند به خدایی که با وحی و قرآن شرافتمان بخشیده و با نبوت و برگزیدگی ما را گرامی داشته است ، نام و یاد ما هرگز محو و نابود نمی شود و ننگ کشتن ما نیز از دامان تو شسته نمی گردد و مگر جز آن است که اندیشه ات باطل و دوران حکومت محدود و اجتماعت پراکنده است ؛ آن روز که منادی ندا می دهد: هلا لعنت خدا بر ستمگر تجاوز کار! خدا را سپاس که برای دوستان خود سعادت را رقم زد و فرجام برگزیدگان را شهادت قرار داد؛ به وسیله رسیدن به آنچه اراده اش بود، آنان را به رحمت و رضوان ، و آمرزش خویش منتقل ساخت و با کشتن آنان کسی جز تو بد بخت نشد و کسی جز تو به آنان آزموده نگشت . از خدا می خواهیم که پادشمان را کامل و ثواب و ذخیره آخرت‌مان را سرشار سازد. از او می خواهیم که جانشینی خوب و بازگشتی شایسته برایمان مقرر دارد که او مهربان و با محبت است .

خطبه حضرت سجاد (ع) در مسجد شام

حضرت علی بن الحسین علیه السلام از یزید درخواست نمود که در روز جمعه به او اجازه دهد در مسجد خطبه بخواند، یزید رخصت داد؛ چون روز جمعه فرا رسید یزید یکی از خطبای مزدور خود را به منبر فرستاد و دستور داد هر چه تواند به امام علی و حسین علیهما السلام اهانت نماید و در ستایش شیخین و یزید سخن براند، و آن خطیب چنین کرد. امام سجاد علیه السلام از یزید خواست تا به وعده خود وفا نموده و به او رخصت دهد تا خطبه بخواند، یزید از وعده‌ای که به امام علیه السلام داده بود پشیمان شد و قبول نکرد .



الحسین
السلم علیت یا ابا عبد الله
الهم



السلام علی الحسین
و علی علی ابن الحسین
و علی اولاد الحسین
و علی اصحاب الحسین

یزید بر این عقیده بود که اگر امام سجاد (ع) به منبر رود، فرود نخواهد آمد مگر اینکه وی و خاندان ابوسفیان را رسوا کرده باشد! ولی بالاخره در اثر پافشاری شامیان یزید موافقت کرد که امام خطبه بخوانند. آنگاه حضرت سجاد علیه السلام به منبر رفته و پس از حمد و ثنای الهی خطبه‌ای ایراد کرد که همه مردم گریستند و بیقرار شدند. فرمود: ای مردم! خداوند به ما شش خصلت عطا فرموده و ما را به هفت ویژگی بر دیگران فضیلت بخشیده است، به ما ارزانی داشت علم، بردباری، سخاوت، فصاحت، شجاعت و محبت در قلوب مؤمنین را، و ما را بر دیگران برتری داد به اینکه پیامبر بزرگ اسلام، صدیق (امیر المؤمنین علی علیه السلام)، جعفر طیار، شیر خدا و شیر رسول خدا صلی الله علیه و آله (حمزه)، و امام حسن و امام حسین علیه السلام دو فرزند بزرگوار رسول اکرم صلی الله علیه و آله را از ما قرار داد. (با این معرفی کوتاه) هر کس مرا شناخت که شناخت، و برای آنان که مرا نشناختند با معرفی پدران و خاندانم خود را به آنان می‌شناسانم.

ای مردم! من فرزند مکه و منایم، من فرزند زمزم و صفایم، من فرزند کسی هستم که حجر الاسود را با رداى خود حمل و در جای خود نصب فرمود، من فرزند بهترین طواف و سعی کنندگانم، من فرزند بهترین حج کنندگان و تلبیسه‌گویان هستم، من فرزند آنم که بر براق سوار شد، من فرزند پیامبری هستم که در یک شب از مسجد الحرام به مسجد الاقصی سیر کرد، من فرزند آنم که جبرئیل او را به سدره المنتهی برد و به مقام قرب ربوبی و نزدیکترین جایگاه مقام باری تعالی رسید، من فرزند آنم که با ملائکه آسمان نماز گزارد، من فرزند آن پیامبرم که پروردگار بزرگ به او وحی کرد، من فرزند محمد مصطفی و علی مرتضایم، من فرزند کسی هستم که بینی گردنکشان را به خاک مالید تا به کلمه توحید اقرار کردند. من پسر آن کسی هستم که برابر پیامبر با دو شمشیر و با دو نیزه می‌رزمید، و دو بار هجرت و دو بار بیعت کرد، و در بدر و حنین با کافران جنگید، و به اندازه چشم بر هم زدنی به خدا کفر نورزید، من فرزند صالح مؤمنان و وارث انبیا و از بین برنده مشرکان و امیر مسلمانان و فروغ جهادگران و زینت عبادت کنندگان و افتخار گریه کنندگانم، من فرزند بردبارترین بردباران و افضل نمازگزاران از اهل بیت پیامبر هستم، من پسر آنم که جبرئیل او را تأیید و میکائیل او را یاری کرد، من فرزند آنم که از حرم مسلمانان حمایت فرمود و با مارقین و ناکثین و قاسطین جنگید و با دشمنانش مبارزه کرد، من فرزند بهترین قریشم، من پسر اولین کسی هستم از مؤمنین که دعوت خدا و پیامبر را پذیرفت، من پسر اول سبقت گیرنده‌ای در ایمان و شکننده کمر متجاوزان و از میان برنده مشرکانم، من فرزند آنم که به مثابه تیری از تیرهای خدا برای منافقان و زبان حکمت عباد خداوند و یاری کننده دین خدا و ولی امر او، و بوستان حکمت خدا و حامل علم الهی بود. او جوانمرد، سخاوتمند، نیکوچهره، جامع خیرها، سید، بزرگوار، ابطحی، راضی به خواست خدا، پیشگام در مشکلات، شکیبیا، دائماً روزه‌دار، پاکیزه از هر آلودگی و بسیار نمازگزار بود. او رشته اصلاط دشمنان خود را از هم گسیخت و شیرازه احزاب کفر را از هم پاشید. او دارای قلبی ثابت و قوی و اراده‌ای محکم و استوار و عزمی راسخ بود و همانند شیر شجاع که وقتی نیزه‌ها در جنگ به هم در می‌آمیخت آنها را همانند آسیا خورد و نرم و بسان باد آنها را پراکنده می‌ساخت. او شیر حجاز و آقا و بزرگ عراق است که مکی و مدنی و خیفی و عقبی و بدری و احدی و شجری و مهاجری است، که در همه این صحنه‌ها حضور داشت. او سید عرب است و شیر میدان نبرد و وارث دو مشعر، و پدر دو فرزند: حسن و حسین. آری او، همان او (که این صفات و ویژگیهای ارزنده مختص اوست) جدم علی بن ابی طالب است.

آنگاه گفت: من فرزند فاطمه زهرا بانوی بانوان جهانم، و آنقدر به این حماسه مفاخره آمیز ادامه داد که شیون مردم به گریه بلند شد! یزید بیمناک شد و برای آنکه مبادا انقلابی صورت پذیرد به مؤذن دستور داد تا اذان گوید تا بلکه امام سجاد علیه السلام را به این نیرنگ ساکت کند! مؤذن برخاست و اذان را آغاز کرد، همین که گفت: الله اکبر، امام سجاد علیه السلام فرمود: چیزی بزرگتر از خداوند وجود ندارد. و چون گفت: اشهد ان لا اله الا الله، امام علیه السلام فرمود: موی و پوست و گوشت و خونم به یکتائی خدا گواهی می‌دهد. و هنگامی که گفت: اشهد ان محمدا رسول الله، امام علیه السلام به جانب یزید روی کرد و فرمود: این محمد که نامش برده شد، آیا جد من است و یا جد تو؟ اگر ادعا کنی که جد توست پس دروغ گفتی و کافر شدی، و اگر جد من است چرا خاندان او را کشتی و آنان را از دم شمشیر گذراندی؟! سپس مؤذن بقیه اذان را گفت و یزید پیش آمد و نماز ظهر را گزارد.

خطبه حضرت سجاد (ع)

در شام

بازین العبدین

در نقل دیگری آمده است که: چون مؤذن گفت: اشهد ان محمدا رسول الله، امام سجاد علیه السلام عمامه خویش از سر بر گرفت و به مؤذن گفت: تو را بحق این محمد که لحظه‌ای درنگ کن، آنگاه روی به یزید کرد و گفت: ای یزید! این پیغمبر، جد من است و یا جد تو؟ اگر گویی جد من است، همه می‌دانند که دروغ می‌گویی، و اگر جد من است پس چرا پدر مرا از روی ستم کشتی و مال او را تاراج کردی و اهل بیت او را به اسارت گرفتی؟! این جملات را گفت و دست برد و گریبان چاک زد و گریست و گفت: بخدا سوگند اگر در جهان کسی باشد که جدش رسول خداست، آن منم، پس چرا این مرد، پدرم را کشت و ما را مانند رومیان اسیر کرد؟! آنگاه فرمود: ای یزید! این جنایت را مرتکب شدی و باز می‌گویی: محمد رسول خداست؟! او روی به قبله می‌ایستی؟! اوای بر تو! در روز قیامت جد و پدر من در آن روز دشمن تو هستند. پس یزید فریاد زد که مؤذن اقامه بگوید! در میان مردم هیاهویی برخاست، بعضی نماز گزارند و گروهی نماز نخوانده پراکنده شدند.

و در نقل دیگری آمده است که امام سجاد علیه السلام فرمود:

من فرزند حسین شهید کربلایم، من فرزند علی مرتضی و فرزند محمد مصطفی و پسر فاطمه زهرایم، و فرزند خدیجه کبرایم، من فرزند سدره المنتهی و شجره طوبایم، من فرزند آنم که در خون آغشته شد، و پسر آنم که پریان در ماتم او گریستند، و من فرزند آنم که پرنده‌گان در ماتم او شیون کردند.

مسابقه خطبه حضرت زینب (س) و امام سجاد (ع)

- ۱- یزید به خطیب مزدور خود قبل از خطابه امام سجاد (ع) چه دستوری داد؟
- ۲- عقیده یزید در خصوص به منبر رفتن امام سجاد (ع) چه بود؟
- ۳- چرا یزید با خطبه خواندن امام سجاد (ع) موافقت کرد؟
- ۴- طبق فرموده امام سجاد (ع) شش خصلتی که خداوند به (آل اله) عطا کرده کدام است؟ نام ببرید؟
- ۵- هنگامی که یزید به لب و دندان‌های امام حسین (ع) چوب می‌زد چه می‌گفت؟
- ۶- حضرت زینب (س) در مورد بی حرمتی کردن به زنان و دختران آل اله توسط یزید چه فرمود؟
- ۷- حضرت زینب (س) پس از ریختن خون آل اله فرمودند که یزید چه آرزویی خواهد کرد؟
- ۸- به هنگام اذان گفتن مأمور یزید و گفتن «اشهد ان محمداً رسول الله...» امام سجاد (ع) چه فرمودند؟
- ۹- آیه‌ای که حضرت زینب (س) در مجلس یزید قرائت فرمودند چه بود؟ (معنی آیه)

نام و نام خانوادگی کارمند: محل خدمت:

نام و نام خانوادگی دانشجو: شماره دانشجویی:

مهلت تحویل پاسخنامه حداکثر تا پایان دی ماه ۹۰

معاونت دانشجویی فرهنگی دانشگاه علوم پزشکی کاشان - مدیریت فرهنگی و فوق برنامه



الحسین (ع)
السید علی بن ابی‌طالب
عجل الله فرجه



السلام علی‌الحسین
و علی‌علی‌ابن‌الحسین
و علی‌اولاد‌الحسین
و علی‌اصحاب‌الحسین